

متفاوت بکلی در اختیار گفتمان خاص اصلاحات دوم خرداد از داخل ایران قرار گیرد.

در یک کلام بر این باورم چون گفتمان دوم خرداد به لحاظ قدرت ادبی، رسانه ای و پیروی از قواعد مشخص منطق گفتگویی، توانسته است به گونه ای موثر رقبای گفتمانی خود را منسوخ نموده، در جایگاهی بی بدیل قرار گیرد. لذا ناچار از خلق رقبای نو و چالش های منطبق با تغییرات نوین حوزه سیاست می باشد. از سوی دیگر نخبگان احزاب دو خردادی موظف به سنتز نخبگانی هم عرض می باشند که به لحاظ قدرت رسانه ای و احاطه بر علوم دقیق سیاست و جامعه شناسی به تشکیل اپوزیسیون نوین و نیز و مند مدد رسانند. بر همین اساس چون به نظر می رسد اکثریت فعالان سیاسی خارج از کشور، به دلیل نابرابری ظرفیت ها و امکانات از عرصه رقابت با گفتمان دوم خرداد به سادگی حذف گردیده اند (شکست آشکار تحریم و یا حمایت غیر مدنی از چهار انتخابات پیاپی مود این پدیده است)، گفتگوی شخصیت های سیاسی مرجع در گفتمان اصلاحات با نخبگان سنتی دهه های ۵۰ و ۶۰ مقیم خارج از کشور غیر ضروری و هزینه آفرین می باشد. امروز آن چه در رتبه اساسی تر اولویت واقع گردیده همانا کمک به خلق منتقدینی است که در حد و اندازه گفتمان هژمونیک دوم خرداد سخن گویند مگر آن که فعالان سیاسی خارج از کشور به انحلال احزاب و ساختارهای سیاسی دهه های ۵۰ و ۶۰ رضایت داده، از نقد یکسویه دهه نخست انقلاب دست برداشته و الزامات گفتگوی مدنی را بپذیرند.

نیمی از جمعیت کشور را متولدین دهه های ۵۰ و ۶۰ تشکیل می دهند که در خلال ناآرامی های سال های ۶۰ تا ۶۸ در بقیه در صفحه ۴۱

اندیشه ترقی و نسل سوم

بقیه از صفحه ۲۰
رسانه های ایرانیان مقیم خارج نیز اگر چه تا حدی از این فشار گفتمانی تاثیر پذیرفته اند اما هنوز گفتمان غالب در این محدوده، گفتمان ایدئولوژیک چپ و یا مدرنیسم ایرانی-پهلوی به شمار می رود. رسانه های خارج از کشور پس از غروب توهم مرجعیت در خرداد ماه ۷۶ به تقلید از شیوه گفتگویی رسانه های دوم خرداد پرداختند چونان که اکنون گرایش نخبگان اصلاحات به نگرش مبتنی بر مفهوم منافع ملی، بر بخش وسیعی از سازمان های سیاسی سنتی چپ و راست خارج از ایران تحمیل شده است.

فعالان سیاسی خارج از ایران به تدریج و پس از طی یک دوره زمانی سه ساله به استفاده از ضمائر متکلم و حده به جای متکلم مع غیر خو می کنند و زبان رسانه های اپوزیسیون هر روز بیشتر از روز قبل از عناصر گفتمانی دوم خرداد مایه می گیرد. این رویکرد به نحو بسیار بارزی در رسانه های محافظه کار داخل نظیر «رسالت» نیز قابل مشاهده است. به طور مثال تغییر رنگ و کیفیت فنی رسانه ها، استفاده از تصاویر نویسندگان، نگاه ویژه به سکوهای الکترونیک و... از مصادیق استیلای گفتمانی دوم خرداد به شمار می روند.

تقارن بهار مطبوعات پس از دوم خرداد با استفاده از مجموعه لغات ابداعی نخبگان مرجع ایرانی در خارج از کشور به طور مثال اخذ واژه گفتمان از داریوش آشوری، همچنین بکارگیری واژه های پیشنهادی فرهنگستان نظیر راهبرد، رویکرد، ساز و کار، فناوری و... موجب گردید فضای گفتگوهای سیاسی خارج از کشور در یک بازه زمانی پراهمیت به دلیل خلاء ناشی از ناهمخوانی دو ادبیات

قطع شده بود. انگار کسی قیچی اش کرده بود.

هنوز باورم نمی شد. روی میزم تمام کاغذهایم را بالا و پایین کردم تا موش را پیدا کنم ولی خبری نبود. همانطور که همه چیز را به هم می ریختم و در این وحشت بودم که امشب نمی توانم روی اینترنت صفا کنم و به آدرس های مربوطه معموله، رفقای «چت روم»، اخبار کشور و همسایه کم شانس ترش مراجعه کنم، کله ام را روی میز کوبیدم و وقتی سرم را بالا بردم دیدم یک تکه کاغذ چسب دار روی پیشانی ام چسبیده!
به یادداشت خیره شدم: خط زخم بود. نوشته بود... اینترنت شده هووی من! اگر موش تو می خواهی بیا طبقه بالا روی من کلیک کن! بعد از تحریر هم نوشته بود: شانس آوردی فقط موش را قطع کردم! نمی دانم و سوسه وصال زخم بود یا موشم، ولی می دانم آن شب پله ها را سه تا یکی بالا رفتم تا روی یک چیزی «کلیک» کنم...

نکته

دیشب داشتم فکر می کردم اگر دفترچه راهنمای تلفن شهر قم را باز کنم و دنبال اسم های غیر عربی خالص و اصیل ایرانی بگردم چند تا پیدا می کنم؟ بعد فکر کردم فرض کنیم چندتایی هم پیدا کردم، بعد چطوری روم میشه بهشون زنگ بزنم و بپرسم تو اونجا چکار می کنی؟

شاید تک نرخی کردن دلار در ایران بسیار قوت گرفته و بسیاری را نگران کرده است. در همین راستا «انجمن گدایان تهران» اعلامیه ای صادر کرده و در آن نگرانی خود را از این مساله ابراز نموده است. البته آن ها اقتصاد حالیشان نیست من فکر می کنم که «دست پیش» را گرفته اند تا پس نیفتند!

کیشوت کنار مجسمه میمون های کور و کر و لال با مفرغ سنگین روی دسته صورت حساب های معوقه بالای کتاب عکس های تهران، تلویزیون رنگی ۲ اینچی ام، تابلوهای نقاشی ام از مسجدی در گراندای اسپانیا که از دانشجوی اسرائیلی



دم در خونه ام خریده بودم و پر از رنگ و انارهای خوشگل بود. پوست کارناوال در آرژانتین در کنار صورت خندان دختر افغانی که لای چادرش را باز کرده بود. روی زمین همه روزنامه هایم از معترضین تامدافین و لو بودند. رنگی و سیاه و سفید، یک صفحه ای تا هزار صفحه ای، همه چیز سر جایش بود. نفسی به راحتی کشیدم. پس دزد به من نزد بود. به میز کارم نزدیک شدم. کامپیوترم سر جایش بود. خودش و مانیورش و... ولی پس موشم کو؟ موشم نبود! دور و بر کامپیوترم چرخیدم و دنبال موشم گشتم. نه... موشم غیبش زده بود. سر همه سیم ها را گرفتم و بالا و پایین رفتم ولی اثری از آثار موشم نبود. این دیگر چه دزدی است؟ چه کسی می تواند خانه ای را سرقت کند و فقط موش را بدزدد؟ کمی بعد وقتی که سیم مربوطه را دنبال کردم به یک سیم پاره رسیدم که ته نداشت. پله خودش بود. دم موش از آن جا

خالی از شوخی

بقیه از صفحه ۳۲
واسطه شد و آمریکا قرار شد هزار دلار یعنی ۱۰ اسکناس ۱۰۰ دلاری به باز ماندگان این شهدا بدهد!

این کار آمریکا درست مثل پنکه ای بود که روشن شده و بوی گند را بیشتر پخش می کند. همه سر و صداشان در آمد که نفهمیدیم چطور به باز ماندگان شهدای! برج های دوقلو نفری یک میلیون دلار دادید و به این ها نفری هزار دلار؟

آمریکا هم زود مصاحبه مطبوعاتی گذاشت و گفت: سبب کجا و پرتقال کجا؟ هر گردی گردو نیست و هر گوجه ای خرما مالو نیست.

به آقای کرزای اعتراض کنید چون به ما گفته بود این ها اگر زنده می ماندند تا آخر عمرشان ۹۰۰ - ۸۰۰ دلاری بیشتر در آمد نداشتند؛ تازه اگر اعدام نمی شدند و یا روی مین ها از بین نمی رفتند. ماهم بر اساس این فرمول که برای نیویورک هم استفاده کردیم، محاسبه کردیم و خون بها دادیم و تازه انعام هم گذاشتیم روش و کردیمش هزار دلار. خبرنگارها هم چند عکس انداختند و غروغر کنان رفتند خانه شان!

موشم کو؟

شب که توی اتاقم آمدم احساس کردم چیزی عجیب و غریب اتفاق افتاده. به اطرافم نگاه کردم. نه، انگار همه چیز سر جایش بود. کتاب هایم توی قفسه کتابخانه بود، عکس زمان تین ایجری ام که گیس بلند داشتم و به بچه هایم به عنوان مدرک نشان می دادم که من کچل مادرزادی نیستم هنوز روی دیوار بود، عکس زخم منهای ۵۰ پوند طرف چپ، تمبرهای پیشاهنگی فرح پهلوی، مجسمه کاغذی موم شده دون

پرژین مارکت و پیکری

(مش حسن بیکری)

انواع نان های خوشمزه بربری، تافتون، شیرمال، ترشیجات، مرباجات، شیرینی جات، آجیل، خواروبار، میوه، بستنی اکبرمشتی و فالوده شیرازی با نازلترین قیمت

همه و همه در زیر یک سقف

پرژین مارکت و بیکری هفت روز هفته در خدمت شما هموطنان عزیز می باشد

نوارهای موسیقی و تبدیل نوارهای ویدیو به سیستم های مختلف دنیا با کیفیت بالا و... فیلم های ایرانی

تولیدات مش حسن بیکری

زینت بخش سفره های شماست

مش حسن بیکری سفارشات شما را برای تولد، نامزدی و عروسی در اسرع وقت در محل مورد نظر شما تحویل می دهد

PERSIAN MARKET AND BAKERY
47970 Community Plaza, # 111-B
Sterling, Virginia 20164

(703) 948-9155
(703) 948-9166

